

Imperatives of Applied Ethics in Islamic Governance Regarding Family Relations *

Abdolrasol Ahmadian¹ 



1- Ph.D. in Islamic Jurisprudence and Law, Faculty Member Bagir al-Olum University Qom, Iran
r.ahmadian@chmail.ir

Abstract

The family, as the most fundamental social institution, holds an ethics-centered position in Islamic governance, and the regulation of its relations cannot be realized solely through legal rules and executive policies. Therefore, elucidating the ethical propositions and principles pertaining to family governance is among the theoretical and practical requirements of Islamic governance. Adopting an intra-religious approach and employing a documentary-analytical method, the present study extracts and classifies the ethical propositions related to Islamic governance in family relations and transforms them into the imperatives of applied ethics. The findings indicate that the ethical propositions of family governance can be formulated at three interconnected levels: foundational ethical propositions (including individual conduct and social ethics), ethical propositions of the family system (spousal relations and parent-child relations), and ethical propositions governing the interactions between the ruling authority and the family (ethical principles and strategies). Within the framework of applied ethics, these propositions are translated into practical criteria for the selection and evaluation of

***Cite this article:** Ahmadian, A (2026). Imperatives of Applied Ethics in Islamic Governance Regarding Family Relations, Journal in Applied Ethics Studies, 1(83), 77-112.
<https://doi.org/1022081/jf.2026.73493.2113>

 **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

 **Received:** 2025/11/30 • **Revised:** 2026/02/23 • **Accepted:** 2026/02/25 • **Published online:** 2026/07/13

officials, legislation, supportive policymaking, and institutional interventions in the domain of the family. The results suggest that Islamic governance of the family is realized only when ethics is considered not as a merely recommendatory matter, but as a normative and binding criterion in governmental decisions, policies, and actions. Accordingly, the extracted imperatives of applied ethics can provide a basis for the ethical evaluation of policies and the redesign of family-centered governance in the Islamic system.

Keywords

Islamic governance, family, applied ethics, governance imperatives, government-family interaction.



أساسيات الأخلاق التطبيقية للحكومة الإسلامية في العلاقات الأسرية*

عبدالرسول احمدیان^۱

۱- أستاذ مساعد في قسم الفقه و الحقوق الإسلامية، جامعة باقر العلوم، قم، إيران
 r.ahmadian@chmail.ir



بایسته های اخلاق کاربردی حکمرانی اسلامی در مناسبات خانوادہ

الملخص

تشغل الأسرة، بوصفها نواة المؤسسة الاجتماعية، مكانة ذات طابع أخلاقي خاص في مسار الحوكمة الإسلامية، بحيث لا يتحقق تنظيم علاقاتها بمجرد اللجوء إلى القواعد القانونية والسياسات التنفيذية. من ثم، فإن استجلاء القضايا والمبادئ الأخلاقية الناعرة على حوكمة الأسرة يعدّ من الأساسيات النظرية والتطبيقية للحكومة الإسلامية. تأسيساً على ذلك، تسعى هذه الورقة البحثية، من خلال مقارنة داخل الدين وبالاتماد على المنهج الوصفي - التحليلي، أن تقوم باستخراج وتصنيف القضايا الأخلاقية ذات الصلة بالحوكمة الإسلامية على مستوى العلاقات الأسرية وتبديلها إلى الأساسيات الأخلاقية التطبيقية. تظهر نتائج الدراسة أنّ القضايا الأخلاقية المتعلقة بحكومة الأسرة يمكن تصنيفها على ثلاثة مستويات متلازمة: القضايا

***الاستناد إلى هذه المقالة:** احمدیان، عبدالرسول (۲۰۲۶). أساسيات الأخلاق التطبيقية للحكومة الإسلامية في العلاقات الأسرية، دراسات في الأخلاق التطبيقية، ۱ (۸۳)، صص ۷۷-۱۱۲.

<https://doi.org/1022081/jf.2026.73493.2113>

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلف.

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۱۱/۳۰ □ تاريخ التعديل: ۲۰۲۶/۰۲/۲۳ □ تاريخ القبول: ۲۰۲۶/۰۲/۲۵ □ تاريخ الإصدار: ۲۰۲۶/۰۷/۱۳



الأخلاقية الممهّدة (التي تنطوي على السلوكيات الفردية والأخلاق الاجتماعية)، والقضايا الأخلاقية لمنظومة الأسرة (علاقات الزوجين والوالدين / الأولاد)، والقضايا الأخلاقية السائدة في التفاعلات بين الحكومة والأسرة (الأصول والإستراتيجيات الأخلاقية). فعلى مستوى الأخلاق التطبيقية، نشهد أنّ هذه القضايا تمثّل المعايير العملية لاختيار وتقييم الجهات الفاعلة، والتشريعات، ووضع السياسات الداعمة، والتدخلات المؤسسية في حقل الأسرة. وتبيّن أيضاً أن الحوكمة الإسلامية للأسرة لا تتحقّق إلا بأنّ الأخلاق لا تعتبر مجرد توصية فحسب، بل معياراً ملزماً في القرارات والسياسات والأفعال الحكومية. انطلاقاً من ذلك، فإنّ أساسيات الأخلاق التطبيقية المستخرجة بإمكانها أن توفّر أرضية خصبة للتقييم الأخلاقي للسياسات وإعادة تصميم الحكومة القائمة على الأسرة في مسار النظام الإسلامي.

الكلمات المفتاحية

الحوكمة الإسلامية، الأسرة، الأخلاق التطبيقية، أساسيات الحوكمة، التفاعل بين الحكومة والأسرة.



بایسته‌های اخلاق کاربردی حکمرانی اسلامی در مناسبات خانواده*

^۱ عبدالرسول احمدیان

۱- دکتری فقه و حقوق اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم
r.ahmadian@chmail.ir



چکیده

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، در حکمرانی اسلامی جایگاهی اخلاق محور دارد و تنظیم مناسبات آن، صرفاً از طریق قواعد حقوقی و سیاست‌های اجرایی تحقق نمی‌یابد. از این رو، تبیین گزاره‌ها و اصول اخلاقی ناظر به حکمرانی خانواده، از الزامات نظری و عملی حکمرانی اسلامی به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با رویکردی درون‌دینی و با روش اسنادی تحلیلی، به استخراج و طبقه‌بندی گزاره‌های اخلاقی مرتبط با حکمرانی اسلامی در مناسبات خانواده و تبدیل آن‌ها به بایسته‌های اخلاق کاربردی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گزاره‌های اخلاقی حکمرانی خانواده را می‌توان در سه سطح به هم پیوسته صورت‌بندی کرد: گزاره‌های اخلاقی زمینه‌ساز (شامل سلوک فردی و

* **استناد به این مقاله:** احمدیان، عبدالرسول (۱۴۰۵). بایسته‌های اخلاق کاربردی حکمرانی اسلامی در مناسبات خانواده. مطالعات اخلاق کاربردی، ۱ (۸۳)، صص ۷۷-۱۱۲.

<https://doi.org/1022081/jf.2026.73493.2113>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲



اخلاق اجتماعی)، گزاره‌های اخلاقی منظومه خانواده (روابط همسران و والدین/فرزندان) و گزاره‌های اخلاقی حاکم بر تعاملات حاکمیت و خانواده (اصول و راهبردهای اخلاقی). این گزاره‌ها، در چهارچوب اخلاق کاربردی، به معیارهایی عملی برای گزینش و ارزیابی کارگزاران، قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری حمایتی و مداخلات نهادی در حوزه خانواده ترجمه شده‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که حکمرانی اسلامی خانواده، زمانی تحقق می‌یابد که اخلاق، نه به عنوان امری توصیه‌ای، بلکه به مثابه معیاری هنجاری و الزام‌آور در تصمیم‌ها، سیاست‌ها و کنش‌های حاکمیتی لحاظ شود. براین اساس، بایسته‌های اخلاق کاربردی استخراج‌شده می‌توانند مبنایی برای ارزیابی اخلاقی سیاست‌ها و بازطراحی حکمرانی خانواده‌محور در نظام اسلامی فراهم آورند.

کلیدواژه‌ها

حکمرانی اسلامی، خانواده، اخلاق کاربردی، بایسته‌های حکمرانی، تعامل حاکمیت و خانواده.





مقدمه و تبیین مسئله

خانواده، مهم‌ترین نهاد جامعه است که در صورت قرارگیری در شرایط بهینه، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای پایدار و سالم باشد. با این حال، این نهاد در دهه‌های اخیر، همانند سایر نهادهای اجتماعی، در سراسر جهان دستخوش تغییرات بنیادین و گسترده‌ای شده است. به اعتراف بسیاری از پژوهشگران، مدرنیته و جهانی‌سازی از مهم‌ترین عوامل این تحولات به شمار می‌آیند که دامنه تأثیر آن‌ها بسیاری از عرصه‌های اجتماعی، از جمله خانواده را در بر گرفته است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۵، ص ۱۱؛ هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰).

این تحولات، روابط درونی خانواده و کارکردهای آن را تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه، ضرورت مداخله حاکمیت در امور خانواده را با اهداف حمایتی، تربیتی و سیاست‌گذاری افزایش داده است. پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که خط‌مشی‌ها و مداخلات نهادی، می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در کاهش یا تشدید آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی ایفا کنند (یحیی‌زاده و حامد، ۱۳۹۴؛ وکیلی و همکاران، ۱۴۰۲). از این رو، نقش نظام حکمرانی و کیفیت تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات آن در این حوزه، امری غیرقابل چشم‌پوشی است.

حکمرانی، فرایند راهبری تعاملات میان کنشگران دولتی و غیردولتی در راستای تحقق اهداف جمعی، با تکیه بر ارزش‌ها، قواعد و سازوکارهای نهادی است (کلاین، ۱۳۹۲؛ Farazmand, 2004). در رویکرد اسلامی، حکمرانی مطلوب صرفاً ناظر به کارآمدی اداری نیست، بلکه مبتنی بر نهادینه‌سازی ارزش‌هایی چون عدالت، مسئولیت‌پذیری، امانت‌داری، شفقت و مشارکت در مناسبات میان حاکمیت و جامعه است (واله، ۱۴۰۰؛ موسوی و همکاران، ۱۳۹۷؛ کحیا و همکاران، ۱۴۰۲).

در این چهارچوب، «حکمرانی امور خانواده» به مجموعه‌ای از سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و مداخلات نهادی اطلاق می‌شود که توسط نهادهای حاکمیتی، دولتی و مردمی طراحی و اجرا شده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم



بر وضعیت و عملکرد خانواده اثر می‌گذارند. بدیهی است که چنین فرایندی بدون اتکاء به بنیان‌های اخلاقی، نه تنها به تحقق اهداف اسلامی خانواده‌محور نمی‌انجامد، بلکه می‌تواند خود به منبع تعارضات و آسیب‌های جدید بدل شود (محمدی منفرد، ۱۴۰۲؛ نورالهی و همکاران، ۱۴۰۱).

گزاره‌های اخلاقی، قضایایی هنجاری‌اند که ناظر به ابعاد مختلف وجودی انسان و روابط او با خدا، خود، دیگران و جامعه بوده و در قالب مفاهیمی چون «باید و نباید» و «درست و نادرست» صورت‌بندی می‌شوند (مهدوی کنی، ۱۳۸۸). این گزاره‌ها هنگامی در عرصه حکمرانی معنا می‌یابند که بتوانند جهت تصمیم‌سازی، خط‌مشی‌گذاری و مداخله نهادی را در موقعیت‌های عینی و پیچیده مشخص کنند. در این نقطه، اخلاق کاربردی به‌عنوان شاخه‌ای از اخلاق هنجاری، نقشی کلیدی ایفا می‌کند؛ زیرا می‌کوشد ارزش‌های اخلاقی را به معیارها و بایسته‌های عملی در موقعیت‌های واقعی تبدیل کند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷؛ نورالهی و همکاران، ۱۴۰۱).

در حوزه خانواده، به‌سبب حساسیت بالای مناسبات خانوادگی و تداخل حوزه خصوصی و عمومی، اهمیت رویکرد اخلاق کاربردی دوچندان است. خط‌مشی‌گذاری در این حوزه همواره با موقعیت‌های اخلاقاً حساس، مانند تعیین حدود مداخله حاکمیت در حریم خانواده، توازن میان حمایت و کنترل و نحوه توزیع مسئولیت‌ها میان دولت، خانواده و فرد مواجه است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸؛ محقق داماد، ۱۳۷۲). ازاین‌رو، فقدان چهارچوبی روشن در اخلاق کاربردی حکمرانی اسلامی می‌تواند به سیاست‌هایی ناکارآمد یا اخلاقاً مسئله‌دار بینجامد.

براین‌اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که: «بایسته‌های اخلاق کاربردی حکمرانی اسلامی برای خط‌مشی‌گذاری در حوزه مناسبات خانوادگی کدام‌اند و این بایسته‌ها چگونه می‌توانند مبنای مداخله اخلاق‌مدار حاکمیت در خانواده قرار گیرند؟».

چهارچوب اخلاق کاربردی پژوهش

این پژوهش در حوزه اخلاق کاربردی و به طور خاص ذیل شاخه اخلاق حکمرانی و اخلاق مدیریت قرار می گیرد و می کوشد با عبور از سطح توصیف ارزش های اخلاقی، به تبیین بایسته ها و دلالت های هنجاری قابل کاربست در حکمرانی خانواده دست یابد. اخلاق کاربردی، برخلاف اخلاق نظری، ناظر به موقعیت های عینی تصمیم گیری، سیاست گذاری و مداخله است و هدف آن، ارائه معیارهای اخلاقی برای هدایت کنش های نهادی و مدیریتی در عرصه های واقعی زندگی اجتماعی است. براین اساس، تمرکز این پژوهش نه صرفاً بر «چه چیز اخلاقی است»، بلکه بر «چگونه باید در مقام حکمرانی و مدیریت خانواده عمل کرد» قرار دارد.

پیشینه پژوهش

برای استخراج بایسته ها، گزاره ها و اصول اخلاقی مرتبط با خانواده در حکمرانی اسلامی، می توان دو سطح متمایز را در نظر گرفت: نخست، سطح درون خانوادگی که در آن اعضای خانواده به عنوان کنشگران اصلی، مخاطب مستقیم دستورات اخلاقی اند؛ و دوم، سطح تعاملات کلان میان حاکمیت و نهاد خانواده که در آن، کارگزاران دولتی و غیردولتی مرتبط با امور خانواده، مخاطب احکام و راهبردهای اخلاقی قرار می گیرند. مطالعات متعددی در حوزه اخلاق خانوادگی از منظر اسلام انجام شده اند که به موضوعاتی چون تشکیل خانواده، روابط زوجین، تربیت فرزندان، مدیریت اختلافات، طلاق و پیامدهای آن پرداخته اند (برای نمونه: هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰؛ یحیی زاده و محبوبه، ۱۳۹۴). با این حال، این پژوهش ها عمدتاً فاقد رویکرد حکمرانی اند و از این رو، پیشینه مستقیم پژوهش حاضر محسوب نمی شوند.

در حوزه اخلاق حکمرانی، پژوهش هایی صورت گرفته که به مبانی اخلاقی حکومت اسلامی پرداخته اند. نوراللهی و همکاران (۱۳۹۰، صص ۲۱۹-۲۴۹) در مقاله ای با عنوان





«مؤلفه‌های حکمرانی اخلاقی از منظر قرآن کریم»، با تحلیل ۶۷۸ آیه، اصول اخلاقی حاکم بر ارتباط حاکمان با مردم را استخراج کرده‌اند.

موسوی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «نقش اخلاق اسلامی در حکمرانی مطلوب»، به تبیین پیوند میان اخلاق فردی و حکمرانی عمومی پرداخته و نشان داده‌اند که شاخص‌های حکمرانی مطلوب بر اخلاق اسلامی استوارند.

شریعتی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «حکمرانی اخلاقی در بخش عمومی از دیدگاه نهج البلاغه»، با تمرکز بر رویکرد امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ارزش‌هایی چون عدالت‌گستری، رضایت عمومی، اصلاح روابط اجتماعی و مشفقانه‌بودن درباره مردم را به عنوان شاخص‌های اخلاقی حکمرانی علوی معرفی کرده‌اند. انگیزه (۱۴۰۰) نیز در مقاله «حکمرانی اخلاق و معنویت زمینه‌ساز ظهور»، با استناد به بیانیه گام دوم انقلاب، بر ضرورت برخورداری حکومت از منش اخلاقی و معنوی و مقابله معقول با کانون‌های ضد اخلاق تأکید کرده است.

در پژوهش «ارائه الگوی حکمرانی خدامدار»، الگویی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و الهی برای حکمرانی اسلامی پیشنهاد شده است. همچنین، سراج‌زاده (۱۳۹۶، ص ۴۵) در تحقیق «گزاره‌های اخلاقی قرآن و چگونگی نظام‌مندسازی آن»، مدلی چهاروجهی از گزاره‌های اخلاقی ارائه داده که نظام‌های خرد و کلان را در بر می‌گیرد.

در حوزه حکمرانی خانواده، پژوهش‌های محدودی انجام شده‌اند. دشتی و توکلی (۱۳۹۹) در مقاله «ضعف‌های حکمرانی در حوزه خانواده»، به پیچیده‌شدن ساختار خانواده پس از مدرنیسم و ضرورت ورود حاکمیت به عرصه حمایت از خانواده پرداخته‌اند. طیب‌نیا و همکاران (۱۴۰۰) نیز در مقاله «عارضه‌یابی و تحلیل نظام حکمرانی امور خانواده در جمهوری اسلامی ایران»، به بررسی نهادهای مرتبط با خانواده و آسیب‌شناسی عملکرد آن‌ها در چهارچوب حکمرانی پرداخته‌اند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون مطالعه‌ای جامع با تمرکز هم‌زمان بر سه مفهوم «گزاره‌های اخلاقی»، «حکمرانی اسلامی» و «خانواده» صورت نگرفته است.



از این رو، تمایز اصلی پژوهش حاضر در ارائه چهارچوبی یکپارچه برای تحلیل گزاره‌های اخلاقی حکمرانی اسلامی در ارتباط با نهاد خانواده است.

ادبیات مفهومی

حکمرانی، مفهومی چندبُعدی و فرارشته‌ای است که در دهه‌های اخیر، جایگزین نگاه سنتی به «حکومت» شده و در گفتمان‌های نوین، به عنوان هنر هدایت جامعه در مسیر تحقق اهداف جمعی تعریف می‌شود. در این رویکرد، حکمرانی صرفاً به معنای اعمال قدرت سیاسی نیست، بلکه شامل تعامل نظام‌مند میان کنشگران حکومتی و غیردولتی در سطوح فراملی، ملی و محلی است که با تکیه بر ارزش‌ها، آرمان‌ها و اقتدار مشروع، به تنظیم‌گری، خط‌مشی‌گذاری و ارائه خدمات عمومی می‌پردازد (عالی و همکاران، ۱۴۰۲). حکمرانی اسلامی، نوعی زمامداری مبتنی بر مبانی، اصول و روش‌های اسلامی است که هدف غایی آن، تحقق حیات طیبه و سعادت انسان‌هاست (شیرعلی، ۱۴۰۱، ص ۳۰؛ طهماسبی بلداجی، ۱۴۰۲، ص ۶۷).

در گفتمان حکمرانی، واژه «Governance» برگرفته از ریشه یونانی «Kuberman» به معنای سکان‌داری و هدایت کشتی است. این واژه در ادبیات مدیریتی، به معنای راهبری، تنظیم‌گری، تسهیل‌گری و هدایت تعاملات اجتماعی به کار می‌رود (ذوالفقارزاده و کریم‌میان، ۱۳۹۹، ص ۹). حکمرانی، برخلاف حکومت، بر هم‌افزایی میان نهادهای رسمی و غیررسمی، مشارکت شهروندان و تنظیم روابط قدرت در بستر اجتماعی تأکید دارد.

حکمرانی خانواده، به عنوان یکی از زیرنظام‌های حکمرانی اسلامی، مجموعه‌ای از سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات نهادهای حاکمیتی، دولتی، غیردولتی و جامعه مدنی است که با هدف تشکیل، تحکیم، توسعه و تعالی خانواده براساس آموزه‌های اسلامی طراحی و اجرا می‌شود (عموزاده، ۱۳۹۶، ص ۱۳۵). این حکمرانی، هم شامل مداخلات مستقیم مانند قوانین حمایت از خانواده و هم شامل اقدامات غیرمستقیم مانند سیاست‌های آموزشی، سلامت، فضای مجازی و محیط‌زیست است که بر خانواده تأثیر می‌گذارند.



در رویکرد اسلامی، خانواده نهادی اخلاق محور، ارزش ساز و تمدن ساز است که صرفاً جنبه خصوصی ندارد، بلکه در تعامل فعال با نظام حکمرانی است. این تعامل می تواند در سه الگوی اصلی تعریف شود:

الگوی متمرکز بر حاکمیت: خانواده، دریافت کننده خدمات از نظام حکمرانی است؛
الگوی متمرکز بر خانواده: خانواده، مسئول تأمین نیازهای خود و مشارکت در حکمرانی است؛
الگوی تعاملی: خانواده و حاکمیت در همکاری متقابل، به ارتقای رفاه، اخلاق و پایداری اجتماعی کمک می کنند.

آیات قرآن کریم درباره زوجیت، مودت، رحمت، آرامش، تربیت فرزندان، مراقبت از والدین و استحکام خانواده، نشان دهنده جایگاه بنیادین خانواده در نظام ارزشی اسلام است (روم، ۲۱؛ نحل، ۷۲؛ نساء، ۳۴؛ اسراء، ۲۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۳ق؛ محقق داماد، ۱۳۷۲؛ وزیری فرد، ۱۳۹۵). در فرهنگ اسلامی، شاکله خانواده بر پایه کرامت انسانی، آرامش، محبت و مسئولیت پذیری استوار است و نظام حکمرانی موظف به پاسداری از این ارزش هاست.

در منظومه حکمرانی اسلامی، خانواده نهادی اجتماعی با ساختاری اخلاق محور و ارزش ساز است و تحقق ویژگی های مطلوب آن از وظایف اساسی نظام حکمرانی به شمار می رود. آموزه های اسلامی مجموعه ای از شاخص های اخلاقی و رفتاری را برای خانواده مطلوب ترسیم کرده اند که از جمله مهم ترین آن ها می توان به مشروعیت و علنی بودن روابط خانوادگی در چهارچوب فقه (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۹)، طهارت و سلامت نفس اعضای خانواده (نور، ۲۶ و ۳۳)، بلوغ و عقلانیت زوجین در تصمیم گیری و تعاملات خانوادگی (اسلامی پناه، ۱۳۸۴)، محبت، تکریم و شکل گیری فضای عاطفی سالم در خانواده (روم، ۲۱؛ محقق داماد، ۱۳۷۲، ص ۱۷۰)، مسئولیت پذیری و ایفای نقش های متقابل در مدیریت خانواده (نساء، ۳۴)، مراقبت اخلاقی و دینی از خانواده (تحریم، ۶)، رعایت تقوا و حفظ حریم جنسی در روابط زوجین در پرتو مفهوم «لباس» (بقره، ۱۸۷؛



اعراف، ۲۶)، استحکام خانواده بر پایه «میشاق غلیظ» در ازدواج (نساء، ۲۱؛ وزیری فرد، ۱۳۹۵)، تقویت ایمان و شکرگزاری برای نعمت همسر و فرزندان (احزاب، ۳۴؛ نحل، ۷۲)، فرزندآوری و تربیت مسئولانه فرزندان با تفکیک نقش والدین (نحل، ۷۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۲۶) و تکریم و رسیدگی به والدین در چهارچوب اخلاق اسلامی (اسراء، ۲۳؛ آل عمران، ۹۲) اشاره کرد.

این شاخص‌ها، افزون بر ساحت فردی و خانوادگی، باید در سطح سیاست‌گذاری کلان نیز مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرند؛ ازاین‌رو، نظام حکمرانی اسلامی موظف است با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، آموزشی، حقوقی و اجتماعی، زمینه تحقق آن‌ها را فراهم آورد و خانواده را به نهادی پایدار، اخلاق‌مدار و تمدن‌ساز تبدیل کند.

گزاره‌های اخلاقی حکمرانی اسلامی در مدار تعالی خانواده

بررسی منابع دینی و مطالعات موجود، سه حوزه کلان را در تقسیم‌بندی گزاره‌های اخلاقی حکمرانی اسلامی نشان می‌دهد که بخشی از آن به‌طور ویژه به نهاد خانواده مرتبط است. این حوزه‌ها عبارت‌اند از: «ایجاد فضایل اخلاقی در ساحت‌های فردی و اجتماعی در میان عموم مردم و به‌ویژه کارگزاران و حاکمان نظام اسلامی»، «تحقق بخشی گزاره‌های اخلاقی در منظومه خانواده»، «رعایت اصول و اتخاذ راهبردهای اخلاقی در تعاملات حاکمیت با نهاد خانواده».

در ادامه، تقسیم‌بندی اصلی و فرعی همراه با مهم‌ترین مصادیق مرتبط با هر بخش در جدول (۱) ارائه و سپس بررسی شده‌اند.

جدول (۱): توصیف گزاره‌های اخلاقی حکمرانی اسلامی در ارتباط با نهاد خانواده

گزاره‌های فراگیر	دسته‌بندی فرعی	مهم‌ترین و پرتکرارترین مصادیق
گزاره‌های اخلاقی زمینه‌ساز	سلوک فردی	- خداباوری، کار و تلاش، کسب روزی حلال، میانه‌روی اقتصادی، قناعت، تقوا، صبر، شکرگزاری، پاک‌دامنی، امید، توکل، شجاعت، صداقت، تدبیر و تفکر و - اجتناب از تکبر، طمع و زیاده‌خواهی، یأس، غفلت، اسراف، عجله، کفران نعمت، تذلل و کسالت، کفر، لجاجت در پذیرش حقیقت، کج خلقی و - تأکید خاص بر رعایت ارزش‌های اخلاقی توسط حاکمان و کارگزاران مانند تقوا، ایمان، حکمت، حقیقت‌جویی، شاکر بودن، ساده‌زیستی و نهی از پیروی هوای نفس، حرص و طمع، تجملات، مصرف‌زدگی و دنیاطلبی.
	اخلاق اجتماعی	- تعاون و مشارکت اجتماعی، برقراری عدالت به دست مردم، احسان و بخشش، وفای به عهد، نیکو سخن گفتن و نهی از گفت‌وگوهای هوس‌آلود در روابط اجتماعی، حُسن خلق. - پوشیدگی مناسب و بدون تبرّج در اجتماع، گشاده‌دستی، صدقه‌دادن و رسیدگی به یتیمان و نیازمندان، امانت‌داری، رازداری، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح ذات‌البین. - اجتناب از سوءظن، پیمان‌شکنی، فخرفروشی به یکدیگر، تجسس در امور دیگران، انتقام‌جویی، سخن‌چینی، بخل، حسد و غیبت. - تأکید خاص به حاکمان و کارگزاران در بخل‌نداشتن و ستمکار نبودن در جامعه، عیب‌پوشی و حفظ اسرار مردم، امانت‌داری، رعایت مساوات، نرمش و خوش‌رفتاری با مردم و نهی از تکبر و گردن‌کشی، لزوم توجه به چگونگی صرف بیت‌المال، تلاش برای ریشه‌کنی فقر در جامعه، داوری عالمانه و عادلانه، علم‌آموزی، تخصص و مهارت برای انجام عمل صالح.





مهم‌ترین و پرتکرارترین مصادیق	دسته‌بندی فرعی	گزاره‌های فراگیر
- معاشرت نیکو و زیبا با همسر، پرداخت نفقه و مهریه زوجه به نیکویی، توجه زنان به ارزش‌های همسری در چهارچوب قوامیت (قنات، صالحات، حافظات). - نهی از تعلیق عاطفی و جنسی زنان در موقعیت تعارض و داشتن طلاق به نیکویی در موقع لزوم. - نهی از برتری‌جویی جنسیتی و ملاک‌بودن تقوا در ارزش‌گذاری زن و مرد.	ارزش‌های اخلاقی زیرمنظومه همسران	گزاره‌های اخلاقی منظومه خانواده
- احترام به حریم خصوصی والدین، حمایت از والدین نیازمند، توجه خاص به والدین پیر بدون گفتن کمترین کلمه آزاردهنده به آن‌ها. - تسهیل ازدواج فرزندان مجرد توسط والدین، پرداخت نفقه فرزندان به نیکویی، تربیت فرزند و نگاه‌داشتن وی از انحرافات.	ارزش‌های اخلاقی زیرمنظومه والدین/فرزندان	
- عدالت و انصاف، احترام به کرامت انسانی، حفظ محرمانگی و احترام به حریم خصوصی خانواده، فطرت‌مداری و توجه به تفاوت‌های جنسیتی، امانت‌داری، خیراندیشی و مصلحت‌سنجی، عیب‌پوشی، نهی از ضرر و ضرار، نفی عسر و حرج، اصل شورا (مشورت و مشارکت در تصمیم‌گیری)، اهتمام به معیشت خانواده و رزق حلال.	اصول اخلاقی	گزاره‌های اخلاقی در تعاملات حاکمیت و خانواده
- حمایت و ترویج نهاد دאوری در هنگام شقاق و اختلافات خانوادگی، حمایت از نقش‌های جنسیتی، حمایت از حقوق اقشار خاص (سالمندان، بی‌سرپرستان، کودکان و افرادی که در خانواده مورد ضرر یا عسر و حرج قرار گرفته‌اند)، ترویج ارزش‌های اخلاقی.	راهنمای اخلاقی	



۱. گزاره‌های اخلاقی زمینه‌ساز

گزاره‌های اخلاقی زمینه‌ساز در دو ساحت «فردی» و «اجتماعی» دربارهٔ عموم افراد جامعه مورد توجه هستند و زمینه‌های اخلاقی حکمرانی اسلامی را مبتنی بر «رشد انسان خداپاور و توحیدی» و «ایجاد فضای اجتماعی اخلاق‌مدار» فراهم می‌کنند.

موضوع محوری حکمرانی اخلاقی، چگونگی دست‌یافتن به حاکمیتی است که بتواند براساس حق حکم کند و زمینه‌ساز توسعه‌ای عادلانه و عالمانه [همراه با میزان عدل، کتاب و بینات] باشد.

بسیاری از توصیه‌های اخلاقی که در قرآن کریم و نهج البلاغه مطرح گردیده، در کنار خطاب‌های خاص، دارای خطاب‌های کلی به عموم جامعه، خانواده‌ها و حکمرانان است. در حوزه اخلاق فردی، صفاتی که به صورت فضیلت یا رذیلت مطرح می‌شوند، متوجه خود انسان بوده و در اخلاق اجتماعی، بر مفاهیمی تأکید می‌شود که ناظر بر روابط فرد با دیگران و رعایت موازین اخلاقی در جامعه است (پیروزفر و مروارید، ۱۴۰۱، ص ۷۹).

موارد متعددی از آیات قرآن کریم در سطح «ارزش‌های فردی» به مفاهیمی همچون خداپاوری (نساء، ۳۶)، رعایت تقوا (حجرات، ۱۱-۱۳)، پاک‌دامنی (نور، ۳۳ و ۶۰)، کار و تلاش (لیل، ۴؛ نجم، ۳۹)، صبر در برابر مصائب (آل عمران، ۱۴۶)، سپاسگزاری (لقمان، ۱۴)، میانه‌روی اقتصادی (اسراء، ۲۹) و کسب روزی حلال (بقره، ۱۶۸؛ یونس، ۵۹) اشاره دارند.

براین اساس، مسلمانان به تعاون و مشارکت گروهی در امور نیک بر پایه تقوا (مائده، ۲)، رسیدگی به خویشاوندان (نساء، ۳۶)، رعایت عدالت و احسان، بخشش، وفای به عهد و پرهیز از فحشا، منکر و ستمگری (نحل، ۹۰-۹۱)، برقراری عدالت اجتماعی (نساء، ۵۸؛ حدید، ۲۵؛ ص، ۲۶؛ شوری، ۱۵)، رعایت پوشش و حیا در عرصه عمومی (احزاب، ۵۹)، عفت‌ورزی (نور، ۳۳)، نیکویی در گفتار (بقره، ۸۳) و پرهیز از سخنان هوس‌آلود (احزاب، ۳۲)، دوری از سوءظن (یونس، ۳۶)، تجسس و غیبت (حجرات، ۱۲) و نیز تکبر و فخرفروشی (نساء، ۳۶) فراخوانده شده‌اند.



بخش عمده‌ای از گزاره‌های اخلاقی زمینه‌ساز در حکمرانی اسلامی، معطوف به قشر خاصی از جامعه، یعنی کارگزاران و حاکمان است. در نظام حکمرانی علوی، اصالت با ارزش‌های اخلاقی است و ساختارها و فرایندهای حکمرانی تابع اخلاق هستند تا فرهنگ سازمانی، از معنا و ارزش‌های اصیل انسانی خالی نشود (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۵).

در قرآن کریم، در موضعی که از پیامبران در جایگاه حاکمان جامعه سخن به میان آمده، به صفات و رفتارهایی اشاره شده که قابل تعمیم به حکمرانان و کارگزاران در جامعه اسلامی است. حکمرانان ممدوح یا مذموم در قرآن کریم و نهج البلاغه، براساس ارزش‌های متفاوتی ارزیابی شده‌اند. بخشی از این ارزش‌ها عبارت‌اند از: پرهیز از تکبر و گردن‌کشی (غافر، ۲۷)، داوری براساس حق و اجتناب از پیروی هوای نفس، حرص، طمع و دنیاطلبی (اعراف، ۱۷۵-۱۷۶؛ جاثیه، ۲۳)، نرم‌خویی، گذشت و مشورت با مردم (آل عمران، ۱۵۹)، حکمت و داوری عالمانه (ص، ۲۰)، دانش‌آموزی و تخصص‌ورزی برای انجام عمل صالح (سبأ، ۱۱؛ انبیاء، ۸۰؛ ص، ۲۶؛ یوسف، ۲۱) و نیز برخورداری از قدرت مشروع، امانت‌داری، تقوا، حق‌جویی و پرهیز از کفر، بخل و ستمکاری، همراه با شکرگزاری (نهج البلاغه؛ درزی و صدریه، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱).

این گزاره‌ها به‌طور مستقیم به خانواده ارتباط ندارند، ولی می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که گزاره‌های اخلاقی زمینه‌ساز، به اصولی اشاره دارند که پیش‌زمینه شکل‌گیری حکمرانی اخلاقی در حوزه خانواده را نیز فراهم می‌سازند. این گزاره‌ها عمدتاً ناظر به تربیت اخلاقی دو گروه اصلی در جامعه‌اند: کارگزاران حکومتی و شهروندان.

در این راستا، گزاره‌های کلیدی زیر قابل شناسایی‌اند:

تربیت اخلاقی کارگزاران با تأکید بر صفاتی چون صداقت، عدالت، شفقت و مسئولیت‌پذیری: این صفات، بنیان رفتارهای حکمرانی اخلاقی را شکل می‌دهند و در صورت فقدان آن‌ها، سیاست‌های خانواده‌محور به‌صورت صوری و غیرکارآمد باقی خواهند ماند، زیرا در صورت نبود این صفات در سیاست‌گذاران باعث ضعف در تقنین و



توجه و اهتمام نداشتن جدی به فرایندهای اجرایی این قوانین خواهد شد و مهم‌تر از آن، کارگزاری که خود، اخلاقی رفتار نکند، نمی‌تواند انتظار داشته باشد که سیاست‌ها و قوانین او منجر به تربیت شهروندان و خانواده‌های اخلاق‌محور باشد. واضح و بدیهی است آنچه نقش محوری در تربیت آحاد مردم دارد، حاصل الگوگیری از رفتار حاکمان است، نه بیان و خواست آنان.

ارتقای اخلاق عمومی شهروندان در تعاملات خانوادگی، از طریق آموزش‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی: شهروندان باید به ارزش‌هایی چون احترام متقابل، وفاداری، عفت، گذشت و همدلی در روابط خانوادگی پایبند باشند.

تحلیل این گزاره‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی خانواده‌محور، بدون تربیت اخلاقی کارگزاران و شهروندان، به سطحی از سیاست‌گذاری تقلیل می‌یابد که عمق فرهنگی و پایداری اجتماعی ندارد. اخلاق، نه تنها عنصر تزئینی در حکمرانی اسلامی نیست، بلکه شرط تحقق آن است. به‌ویژه در حوزه خانواده که نهاد اصالتاً اخلاق‌محور است.

۲. گزاره‌های اخلاقی منظومه خانواده

مسائل خانواده در میان اضلاع سه‌گانه قوانین شرع، اراده زوجین و مصالح حکومت قرار می‌گیرد. ضلع سوم می‌تواند با به‌کارگیری ابزارهای حکمرانی، در راستای پیشگیری از مشکلات یا حل مسائل خانواده، در دو حوزه تقنین و قضا وارد عمل شود. در تکمیل این دو حوزه، مداخلات غیرحقوقی حاکمیت به‌منظور افزایش کارآمدی نهاد قانون نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (علاسوند، ۱۳۹۲، ص ۶۵). همچنین، نهی از طلاق در متون شرعی، وظایفی را بر عهده دارندگان ولایت، به‌ویژه حکومت اسلامی قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که می‌بایست زمینه‌های تشکیل خانواده‌ای پایدار و زدودن انگیزه‌های طلاق را فراهم آورند (وکیلی، ۱۴۰۲، ص ۲).

غایت اصلی حکمرانی اسلامی در عرصه مناسبات خانوادگی، تحقق آیاتی از قرآن کریم است که هدف ازدواج و تشکیل خانواده را «سکون» (آرامش)، «مودت» و «رحمت»



(روم، ۲۱؛ اعراف، ۱۸۹) معرفی نموده و فرد، جامعه و نظام حکمرانی را موظف به تلاش برای این هدف بنیادین می‌دانند.

گزاره‌های اخلاقی که قرآن کریم در زمینه تعاملات زوجین بیان نموده، الزامات مهمی هستند که علاوه بر رعایت توسط زوجین، تسری و تقویت آن‌ها در خانواده با هدف صیانت از این نهاد، بر عهده حاکمیت نیز است. این گزاره‌ها شامل موارد زیر می‌شوند:

- معاشرت نیکو و رفتار متقابل پسندیده با یکدیگر (نساء، ۱۹؛ بقره، ۲۶۸؛ طلاق، ۶)؛
 - چشم‌پوشی و گذشت (نور، ۲۲)؛
 - توجه به تفاوت‌های جنسیتی و مشورت در امور (بقره، ۱۸۷؛ نساء، ۲۴، ۳۲، ۳۴؛ طلاق، ۶)؛
 - وفاداری در انجام تعهدات مالی توسط زوج و پرداخت شایسته حقوق مالی زن (بقره، ۲۳۳؛ نساء، ۴؛ طلاق، ۶)؛
 - نهی از محرومیت عاطفی و جنسی زنان در موقعیت تعارض و طلاق نیکو در صورت ضرورت (نساء، ۱۲۹؛ بقره، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۶؛ طلاق، ۱ و ۲؛ احزاب، ۲۸ و ۴۹)؛
 - پرهیز از برتری‌جویی مبتنی بر جنسیت و قراردادن تقوا به عنوان معیار ارزش‌گذاری (حجرات، ۱۳)؛
 - ارزش‌های همسری زن در چهارچوب قوامیت (قانتات، صالحات، حافظات) (نساء، ۳۴).
- زیرمنظومه والدینی، شامل تعاملات متقابل فرزندان و والدین است که با ارزش‌های اخلاقی مهمی مقید شده است. قرآن کریم در آیات متعددی به این ارزش‌ها اشاره نموده که ازجمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- احترام به حریم خصوصی والدین توسط فرزندان (نور، ۵۸ و ۵۹)؛
 - احسان و نیکوکاری به والدین (نساء، ۳۶؛ عنکبوت، ۸)؛
 - رعایت ادب، تواضع و سپاسگزاری (لقمان، ۱۴)؛



• حمایت از والدین نیازمند (حتی در زمان وصیت) و توجه ویژه به والدین سالخورده و ناتوان، بدون بیان حتی کمترین سخن آزاردهنده (اسراء، ۲۳؛ بقره، ۸۳، ۱۸۰، ۲۱۵).

آیات قرآن کریم به نقش گزاره‌های اخلاقی و ضرورت توجه به آن‌ها در حوزه ارتباط والدین با فرزندان نیز اشاره نموده و به مواردی همچون موارد زیر تأکید دارد:

• ایجاد بینش توحیدی در فرزندان (لقمان، ۱۳؛ احقاف، ۱۷) و آموزش مسائل اعتقادی به آنان (لقمان، ۱۶ و ۱۷)؛

• آموزش حریم خصوصی به فرزندان (نور، ۵۸ و ۵۹)؛

• تسهیل ازدواج افراد مجرد (نور، ۳۲)؛

• توکل به خداوند در تأمین نیازهای فرزندان در شرایط فقر و پرهیز از کشتن آنان به دلیل ترس از فقر یا بدنامی (انعام، ۱۵۱)؛

• پرداخت شایسته نفقه به فرزندان نیازمند و پرهیز از آسیب‌رساندن به آنان (بقره، ۲۳۳)؛

• حفظ فرزندان از انحرافات (تحریم، ۶)؛

• پرهیز از تبعیض بین دختر و پسر (نحل، ۵۸ و ۵۹).

همچنین در چهارچوب اصول اخلاقی مندرج در متون دینی، رعایت تقوا، عزت و احترام متقابل، ایثار و بخشش، حسن معاشرت، محبت و عطف، صبر و شکیبایی، نشاط و حیا در روابط والدین و فرزندان ضروری است تا بسترهای تربیت دینی و کرامت‌مدار فراهم آید (سلیمی و احمدی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۵).

نظام حکمرانی اسلامی می‌تواند با طراحی فرایندهایی در خط‌مشی‌گذاری و اجرا، گزاره‌های اخلاقی زیرمنظومه‌های همسری و والدینی را محقق سازد. یکی از راهبردهای کلیدی، تقویت ظرفیت‌های درونی خانواده برای ایفای کارکردهای حقوقی اخلاقی آن است، از جمله تسهیل آموزش، تربیت و حمایت از کودکان و مراقبت از والدین سالخورده در چهارچوب نهاد طبیعی و عاطفه‌محور خانواده.



۳. گزاره‌های اخلاقی در تعاملات حاکمیت و خانواده

این دسته از گزاره‌ها شامل «اصول اخلاقی» و «راهنماهای اخلاقی» هستند که در حوزه تعاملات حاکمیت و خانواده مطرح شده‌اند. مقصود از «اصل»، گزاره‌هایی است که جهت‌گیری‌های کلان را مشخص می‌کنند و به درک و تبیین مصادیق یاری می‌رسانند و مراد از «راهنما»، مواردی است که برای عینیت‌بخشی به اصول کلی و اجرای آن‌ها در سطح جامعه ضرورت دارند.

برخی از این اصول و راهنماها، در ظاهر فقهی یا حقوقی به نظر می‌رسند، اما باید توجه داشت که در تعالیم اسلامی همواره بر پیوند گزاره‌های اخلاقی با مباحث فقه و حقوق تأکید شده و از اخلاق به عنوان زیربنای عمل در تمامی عرصه‌ها یاد می‌شود که زمینه اجرای دستورات سایر حوزه‌ها را فراهم می‌آورد (شمس‌الدینی، سیدرضا و اسدی، ۱۴۰۱). باین حال، قرآن کریم هیچ تفکیکی بین گزاره‌های اخلاقی و فقهی قائل نشده و با سبکی یکسان به آن‌ها پرداخته است (شاگری گلپایگانی و محمدتقی‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴).

براساس متون دینی، در میان اصول زیربنایی حکمرانی اسلامی، «عدالت» از پرتکرارترین مضامین قرآنی و از بنیادی‌ترین اصول به شمار می‌رود که در سطوح مختلف افراد جامعه، روابط خانوادگی و حاکمیت مطرح است. در عرصه خانواده، معنای عدالت فقط به رعایت انصاف میان اعضا محدود نبوده، بلکه ایجاد بستری برابر، زدودن تبعیض‌های ساختاری و رفع ستم از گروه‌های آسیب‌پذیر را نیز در بر می‌گیرد (آقازاده و مجبی، ۱۴۰۲، ص ۱۶۱؛ موسوی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۰۵).

«عدالت» به معنای رعایت حقوق افراد و اعطای حق به هر ذی‌حق است. حکومت اسلامی موظف است بر پایه اصل عدالت، بستر لازم برای شکوفایی و استحکام نهاد خانواده را فراهم آورده و از هرگونه ستم و ظلم در این حوزه جلوگیری نماید (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱).

همچنین اصل «انصاف» از اصول اخلاقی بنیادین حکمرانی اسلامی در ارتباط با خانواده محسوب می‌شود. انصاف در معنای عام، مترادف با عدالت است، اما در



معنای خاص، هنگامی مطرح می‌شود که اجرای قاعده‌ای عادلانه به نتایج نامطلوب بینجامد. اصل انصاف شامل مجموعه‌ای از قواعد است که در کنار قواعد اصلی حقوقی قرار گرفته و با اتکا به اصول برتر اخلاقی، می‌تواند قواعد حقوقی را لغو یا تعدیل کند (الاسحق خوئینی، ۱۴۰۱).

ازجمله این راهبردها می‌توان به حمایت از اقشار ضعیف‌تر جامعه و خانواده‌های در معرض آسیب یا آسیب‌دیده و توجه به تفاوت‌های زمینه‌ای در فرایند حکمرانی اشاره کرد که در عملی‌سازی اصول عدالت و انصاف، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند.

«اصل محرمانگی» یا احترام به حریم خصوصی (نور، ۲۷-۲۹)، از دیگر مفاهیم مهم اخلاقی و از آموزه‌های برجسته حکمرانی اسلامی به شمار می‌رود. حق بر حریم خصوصی در زمره مهم‌ترین حقوقی قرار دارد که پیوندی ناگسستنی با کرامت انسانی دارد و هدف آن تعالی شخصیت انسان است.

متون دینی سرشار از توصیه‌هایی در زمینه رعایت اصل حریم خصوصی و پرهیز از نقض مصادیق گوناگون آن است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸). البته اصطلاح «حریم خصوصی» به صورت مشخص در آیات قرآن یا روایات اسلامی به کار نرفته است و موضع اسلام در قبال این مفهوم، رویکردی «تحویل‌گرایانه» دارد؛ بدین معنا که حریم خصوصی در قالب ارجاع به حقوق و آزادی‌های دیگر مانند حق مالکیت، ممنوعیت تجسس، تجسس^۱، تفتیش، سوءظن، غیبت، استراق سمع و موارد مشابه مورد حمایت قرار گرفته است (انصاری، ۱۳۸۳).

با توجه به استقلالی که شریعت برای کانون خانواده قائل شده است، افراد خارج از این نهاد مجاز به ورود یا دخالت در امور آن نیستند. براین اساس، هریک از زوجین مکلف شده‌اند تمامی تلاش خود را در راستای سامان‌دهی این کانون خصوصی به کار گیرند (علاسوند، ۱۳۸۰).

۱. تجسس به معنای دنبال خبر گشتن و مطلع شدن از اخبار دیگران است.



ورود حاکمیت به حریم خصوصی خانواده فقط تحت شرایط ویژه و براساس ضرورت‌هایی همچون اجرای عدالت، رفع عسر و حرج یا جلوگیری از ضرر و زیان مجاز است (شریفانی و قمی، ۱۴۰۳، ص ۱۳۹؛ محقق داماد، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۱۰). اسلام با تلفیق مسائل حقوقی و موازین اخلاقی، در پی هدایت بنیان خانواده به سوی حفظ کرامت انسانی و تجلی صفات و کمالات اخلاقی است. در این مسیر، یکی از «راهنماهای اخلاقی» که در قرآن کریم برای حفظ محرمانگی و اسرار خانواده توصیه شده، انتخاب داورانی از میان خویشاوندان زوجین به منظور ایجاد صلح و سازش در مواقعی است که اختلافات درون خانوادگی در مرزهای درونی حل‌شدنی نیستند (نساء، ۳۵؛ حجرات، ۱۰).

امام علی علیه السلام در وصیت خود به مالک اشتر بر رعایت حریم خصوصی تأکید نموده است: «وظیفه حاکم، پاک کردن ظواهر است و نباید در جست‌وجوی امور پنهان مردم باشد؛ حاکم تا آنجا که می‌تواند باید عیوب مردم را بپوشاند تا خداوند آنچه را که از مردم دوست دارد مخفی بماند، بپوشاند.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

خیراندیشی و مصلحت‌سنجی (نساء، ۱۱۴-۱۲۸)، از دیگر اصول اخلاقی است که در گستره فقهی و حقوقی نیز جایگاهی مهم دارد. به این معنا که حاکمان موظف‌اند در هر شرایطی، مصلحت جمعی خانواده را بر منافع فردی مقدم دارند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۰۶). کرامت و عدالت مطلق، به عنوان غایت‌هایی آرمانی، گاه در مرحله اجرا با موانع و چالش‌هایی مواجه می‌شوند که در چنین مواردی، مصلحت‌اندیشی ضرورت می‌یابد. ملاک کلی ارزش اخلاقی، مصلحت عمومی فرد و جامعه و مصلحت واقعی انسانیت است (شاکری گلپایگانی و محمد تقی‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۱۹).

با توجه به خصوصی بودن نهاد خانواده و اصل عدم مداخله حاکمیت در آن، دخالت حکومت فقط در مواردی که مصالح عمومی مطرح باشد، مجاز شمرده می‌شود. براین اساس، چنانچه مداخلات دولت مبتنی بر مصالح عامه نباشد، فاقد مشروعیت خواهد بود؛ لذا ضروری است که جهت‌گیری دولت در امور خانواده همواره بر پایه مصالح مستند و اثبات‌پذیر باشد. به همین سبب برخی محققان تأکید می‌کنند: «در تشخیص مصلحت، از



یک سو باید موازین شرعی در نظر گرفته شود و از سوی دیگر، با مراجعه به متخصصان علوم و دانش های بشری، وجود مصلحت واقعی تأیید شود» (هادوی تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳؛ به نقل از علاسوند، ۱۳۹۲). حمایت از آزادی های فردی تا جایی مشروعیت دارد که با حقوق دیگران یا مصالح عمومی در تعارض قرار نگیرد (غنوشی، ۱۳۸۱، ص ۴۵۰).

فطرت مداری و پذیرش تفاوت های جنسیتی (بقره، ۱۸۷؛ نساء، ۳۲)، پیشگیری از آسیب ها و انحرافات اخلاقی از طریق ترویج ارزش هایی چون تقوا، عفت ورزی، حیا و پوشیدگی (نساء، ۲۷؛ احزاب، ۳۲ و ۵۹؛ نور، ۳۳؛ حجرات، ۱۱-۱۳؛ اسراء، ۳۲)، نفی عسر و حرج (حج، ۷۸)، نهی از ضرر و ضرار (بقره، ۲۳۱-۲۳۳) و عیب پوشی (بقره، ۱۸۷)، از دیگر اصول زیربنایی حکمرانی اسلامی به شمار می روند. این اصول با مبانی بنیادین عدالت، انصاف، مصلحت و احترام به حریم خصوصی پیوندی ناگسستنی داشته و چهارچوب تعاملات درون خانوادگی و ارتباط حاکمیت با نهاد خانواده را در آموزه های اسلامی تشکیل می دهند. براین اساس، با توجه به آگاهی حاکمیت از شرایط خانوادگی، دشواری های پیش روی آن و احتمال وارد آمدن ضرر اعضای خانواده به یکدیگر و نیز توانایی بالقوه نظام حکمرانی در اطلاع از امور پنهانی جامعه، شایسته است حکمرانی اسلامی با تشخیص آسیب های پیش روی خانواده ها و بحران های اجتماعی، برای کاهش این آسیب ها، در عین پرهیز از تجسس و پوشاندن اسرار و مسائل خصوصی آنان تلاش نماید (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۰۵؛ قدردان قراملکی، ۱۳۸۴، ص ۴۹). حاکم اسلامی در عین حال که مسائل را بررسی و برای حل آن ها برنامه ریزی می کند، مأمور نظارت بر امور شخصی مردم نیست، بلکه باید به ظواهر بسنده کرده و مانند خداوند پوشاننده اسرار و عیوب مردم باشد (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

اصل اخلاقی مشورت و مشارکت دهی به خانواده در فرایند تصمیم گیری ها نیز از اصول بنیادین حکمرانی متعالی اسلامی به شمار می رود. در قرآن کریم، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقام حاکم اسلامی تأکید می شود که در تعامل با مردم، الگویی که قابل تسری به تعامل



با خانواده نیز هست، راهبردهای اخلاقی نرم‌خویی، گذشت و مشورت در امور را برگزیند تا پیوند میان حاکمیت و جامعه را استحکام بخشد (آل‌عمران، ۱۵۹).

مطالعات متعدد نشان می‌دهد که مشارکت، در صورتی که همراه با انگیزه ارج نهادن به دانش، اطلاعات، تجربه و توانایی‌های جامعه باشد، به کاهش تنش‌های اجتماعی، کاهش تعارضات، ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری، بهبود روابط، افزایش کارایی و اثربخشی و در نهایت تعامل سازنده‌تر حاکمیت با مردم می‌انجامد.

در حکمرانی اسلامی، مردم در قالب نهاد خانواده، اصلی‌ترین کنشگران عرصه حکمرانی و محرک پیشرفت جامعه به شمار می‌روند که می‌توان از ظرفیت این نهاد به‌شکل ویژه‌ای بهره گرفت. حضور و نقش‌آفرینی خانواده‌ها صرفاً به انتخاب حکمرانان محدود نبوده، بلکه آنان می‌توانند در تمامی مراحل حکمرانی، از برنامه‌ریزی و اجرا تا نظارت، اثربخش باشند (معاونت راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۱، ص ۵؛ قدردان قراملکی، ۱۳۸۴، ص ۲۳؛ کریمی تبار، ۱۳۸۱، ص ۱۲۳).

این سطح از گزاره‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی اسلامی، خانواده را صرفاً موضوعی برای مداخله اجرایی نمی‌داند، بلکه آن را شریک اخلاقی در فرآیند توسعه انسانی و اجتماعی تلقی می‌کند. مسئولیت حاکمیت در قبال خانواده، فراتر از تنظیم مقررات و ارائه خدمات است؛ بلکه شامل رعایت کرامت، حفظ استقلال، تقویت ظرفیت‌های درونی و حمایت از روابط اخلاقی درون‌خانوادگی نیز می‌شود.

در این چهارچوب، اخلاق نه تنها به‌عنوان زیربنای سیاست‌گذاری، بلکه به‌عنوان معیار ارزیابی عملکرد حاکمیت در حوزه خانواده عمل می‌کند. هرگونه سیاست‌گذاری در این حوزه، باید با سنجش میزان تحقق ارزش‌هایی چون عدالت، احترام، محرمانگی، مصلحت‌سنجی و مشارکت همراه باشد تا بتواند در مسیر تحقق خانواده مطلوب اسلامی گام بردارد.

براین اساس، جدول (۲) نقش محوری در چهارچوب اخلاق کاربردی پژوهش ایفا می‌کند؛ زیرا نشان می‌دهد که چگونه گزاره‌های اخلاقی استخراج‌شده، در قالب بایسته‌های

عملی، به معیارهای قابل ارزیابی برای سیاست گذاری، قانون گذاری و مدیریت خانواده تبدیل می شوند. این جدول امکان آن را فراهم می آورد که حکمرانی خانواده، نه تنها از منظر حقوقی یا کارکردی، بلکه از منظر اخلاق کاربردی مورد سنجش و بازطراحی قرار گیرد.

جدول (۲): بایسته های اخلاق کاربردی حکمرانی اسلامی در مناسبات خانواده

گزاره های فراگیر	دسته بندی فرعی	بایسته ها و دلالت های اخلاق کاربردی برای حکمرانی خانواده
گزاره های اخلاقی زمینه ساز اخلاق اجتماعی	سلوک فردی (عموم مردم و به ویژه حاکمان و کارگزاران)	حکمرانی اسلامی موظف است در سیاست های مرتبط با خانواده، بر تربیت اخلاقی شهروندان و به ویژه کارگزاران تأکید کند؛ از این رو، گزینش، آموزش و ارزیابی مدیران و متولیان حوزه خانواده باید بر پایه خداباوری، تقوا، امانت داری، ساده زیستی، پرهیز از دنیا طلبی، اسراف و مصرف زدگی و برخورداری از تدبیر و صداقت انجام شود تا بستر اعتماد عمومی و حکمرانی اخلاقی در حوزه خانواده فراهم شود.
	اخلاق اجتماعی	نظام حکمرانی اسلامی مکلف است با طراحی سیاست های فرهنگی، اجتماعی و حمایتی، زمینه تحقق تعاون، عدالت اجتماعی، احسان، وفای به عهد، محسن خلق، امانت داری و اصلاح روابط اجتماعی را فراهم آورد و هم زمان از بروز رفتارهایی چون تجسس، افشای اسرار، تبعیض، بخل، سوء ظن و سوء استفاده از بیت المال در تعاملات اجتماعی مرتبط با خانواده جلوگیری کند.
گزاره های اخلاقی منظومه خانواده	ارزش های اخلاقی زیر منظومه همسران	حکمرانی اسلامی باید از طریق قانون گذاری، سیاست های حمایتی و سازوکارهای قضایی و مشاوره ای، از معاشرت نیکو، کرامت متقابل همسران، پرداخت عادلانه نفقه و مهریه و ایفای مسئولیت های همسری صیانت کند و با پیش بینی راهکارهای اخلاقی و حقوقی، از تعلیق عاطفی و جنسی زنان در موقعیت تعارض جلوگیری کرده و امکان طلاق به نیکویی را در موارد ضرورت فراهم سازد.



گزاره‌های فراگیر	دسته‌بندی فرعی	بایسته‌ها و دلالت‌های اخلاق کاربردی برای حکمرانی خانواده
	ارزش‌های اخلاقی زیرمنظومه والدین/فرزندان	سیاست‌گذاری خانواده باید به گونه‌ای باشد که احترام به والدین، حمایت از والدین نیازمند، حفظ حریم خصوصی آنان و مراقبت ویژه از سالمندان تضمین شود؛ همچنین حاکمیت موظف است با حمایت‌های اقتصادی، آموزشی و فرهنگی، والدین را در ایفای مسئولیت تربیتی، تأمین معیشت فرزندان و پیشگیری از انحرافات اخلاقی و اجتماعی یاری دهد.
گزاره‌های اخلاقی در تعاملات حاکمیت و خانواده	اصول اخلاقی	نهادهای حاکمیتی مکلف‌اند در تعامل با خانواده‌ها، اصولی چون عدالت و انصاف، احترام به کرامت انسانی، حفظ محرمانگی و حریم خصوصی، فطرت‌مداری، امانت‌داری، خیراندیشی، عیب‌پوشی، نفی ضرر و ضرار، نفی عسر و حرج و اصل شورا را رعایت کنند و این اصول را به‌عنوان معیارهای اخلاقی تصمیم‌گیری و مداخله در امور خانواده به کار گیرند.
	راهبردهای اخلاقی	حکمرانی اسلامی موظف است با حمایت و ترویج نهاد داوری و میانجی‌گری در اختلافات خانوادگی، حمایت از نقش‌های جنسیتی، صیانت از حقوق اقشار آسیب‌پذیر (کودکان، سالمندان، بی‌سرپرستان و افراد در معرض عسر و حرج) و توسعه برنامه‌های ترویج اخلاق، مداخلات خود در نهاد خانواده را به‌صورت پیشگیرانه، عادلانه و اخلاق‌مدار سامان دهد.



نتیجه گیری

حکمرانی، در هر جامعه‌ای، به‌طور بنیادین با نظام اخلاقی و ارزشی آن گره خورده است. این پیوند مختص به رویکرد اسلامی نیست، بلکه در نظریه‌های کلان حکمرانی نیز تأکید شده است. برای نمونه، در نظریه حکمرانی خوب (Farazmand, 2004)، شاخص‌هایی چون شناخت ارزش‌ها، اخلاق، پاسخ‌گویی، شفافیت و مسئولیت‌پذیری، به‌عنوان ارکان حکمرانی مطلوب معرفی شده‌اند. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که اخلاق، نه فقط به‌عنوان یک فضیلت فردی، بلکه به‌مثابه بنیانی برای تنظیم روابط قدرت، سیاست‌گذاری عمومی و تعاملات اجتماعی در سطح کلان تلقی می‌شود.

در حکمرانی اسلامی، اخلاق نه تنها مکمل فقه و حقوق، بلکه زیربنای آن‌هاست. گزاره‌های اخلاقی، به‌عنوان هسته معنایی رفتارهای فردی و جمعی، نقش هویت‌بخش را در جامعه ایفا می‌کنند. منابع دینی، به‌ویژه قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم‌السلام)، اصلی‌ترین مرجع استخراج این گزاره‌ها در سطوح فردی، خانوادگی، اجتماعی و حاکمیتی هستند. در این منظومه، خانواده جایگاهی ممتاز دارد؛ چراکه نخستین نهاد اجتماعی و نخستین بستر تحقق اخلاق عملی در جامعه است.

با توجه به روایات متعدد، خانواده در دوران آخرالزمان با چالش‌های عمیق اخلاقی و ارزشی مواجه خواهد شد. این چالش‌ها شامل کاهش قداست و منزلت خانواده، شیوع طلاق، گسترش روابط نامشروع، تضعیف کارکردهای تربیتی، جابه‌جایی نقش‌های جنسیتی و افول ارزش‌های اخلاقی است (کارگر، ۱۳۹۷، ص ۲۶۹-۲۸۲). این تحولات، نه تنها بنیان خانواده، بلکه امنیت و سلامت اجتماعی را نیز تهدید می‌کنند. ازاین‌رو، حکمرانی اسلامی موظف است با تکیه بر مبانی روشن و مستدل، برای تحکیم، پایداری و تعالی نهاد خانواده، برنامه‌ریزی راهبردی و چندسطحی داشته باشد.

از آنجا که بخش عمده‌ای از بحران‌های خانواده، ماهیتی اخلاقی و ارزشی دارند، تجهیز افراد به آگاهی و توانمندی‌های اعتقادی اخلاقی، راهبردی کلیدی در سطح حکمرانی محسوب می‌شود. این امر مستلزم آن است که نظام حکمرانی، فرایندها، ساختارها و



اقدامات خود را در سه سطح کلان (نظام‌های اجتماعی)، میانی (نهادهای و ساختارهای اجتماعی) و خرد (سطح فردی و تعاملی) بازنگری و بازطراحی کند. تمرکز صرف بر اصلاح روابط درونی خانواده، بدون توجه به بسترهای اجتماعی و ساختاری، نمی‌تواند به‌تنهایی پاسخ‌گوی بحران‌های پیچیده این نهاد باشد؛ بلکه لازم است کلیه نیروهای پیش‌ران مؤثر بر خانواده، اعم از فرهنگی، اقتصادی، رسانه‌ای، حقوقی و آموزشی، شناسایی شده و تأثیر آن‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان لحاظ شود.

بر پایه یافته‌های این پژوهش، حکمرانی اسلامی در حوزه خانواده نیازمند تدوین و اجرای یک منشور اخلاقی جامع و کاربردی است که در سه بخش اصلی سامان می‌یابد:

بخش اول: تربیت اخلاقی کنشگران حکمرانی. این بخش بر پرورش انسان‌هایی با فضایل اخلاقی در سطوح فردی و اجتماعی تأکید دارد؛ به‌ویژه کارگزاران و حاکمان که نقش الگویی و ساختاری در نظام حکمرانی ایفا می‌کنند. فضیلت‌هایی چون عدالت، صداقت، شفقت، تواضع، مسئولیت‌پذیری و رعایت کرامت انسانی، باید در فرایندهای گزینش، آموزش و ارزیابی عملکرد کارگزاران لحاظ شود. این تربیت اخلاقی، نه تنها پیش‌شرط حکمرانی مطلوب، بلکه راهبردی پیشگیرانه در برابر آسیب‌های اجتماعی و اختلالات خانوادگی است.

بخش دوم: تقویت ارزش‌های درونی خانواده. این بخش به نهادینه‌سازی گزاره‌های اخلاقی در روابط زوجین، والدین و فرزندان می‌پردازد. مفاهیمی چون حسن معاشرت، احترام متقابل، گذشت، مشورت، عدالت در روابط، عفت، حیا، مسئولیت‌پذیری، مراقبت از والدین و تربیت اخلاقی فرزندان باید از طریق آموزش، رسانه، خط‌مشی‌های فرهنگی و حمایت‌های اجتماعی تقویت شوند. این ارزش‌ها، بنیان پایداری خانواده و ضامن سلامت روانی و اجتماعی اعضای آن‌اند.

بخش سوم: اصول و راهبردهای اخلاقی حاکمیت در تعامل با خانواده. این بخش به مسئولیت‌های اخلاقی حاکمیت در قبال خانواده می‌پردازد. اصولی چون عدالت، انصاف، مصلحت‌سنجی، احترام به حریم خصوصی، مشارکت‌پذیری، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر،

تسهیل ازدواج و فرزندآوری و پرهیز از مداخلات غیرضروری، باید در سیاست‌گذاری‌های کلان لحاظ شوند. حاکمیت باید خانواده را نه فقط موضوع سیاست‌گذاری، بلکه شریک اخلاقی در مسیر توسعه بداند و از ظرفیت‌های درونی آن در حل مسائل اجتماعی بهره گیرد.

در مجموع، حکمرانی اسلامی با اتکا به منظومه‌ای یکپارچه از گزاره‌های اخلاقی مستخرج از منابع دینی، الگویی سه‌سطحی برای مواجهه نظام‌مند با چالش‌های خانواده ارائه می‌دهد. این الگو، با تلفیق تربیت اخلاقی کارگزاران، تقویت ارزش‌های درون‌خانوادگی و تدوین راهبردهای اخلاقی در تعامل با خانواده، مسیری برای نیل به خانواده‌ای پایدار، اخلاق‌مدار و متعالی ترسیم می‌کند. تحقق این آرمان، در گرو عینیت‌بخشی به منشور اخلاقی پیشنهادی در سطوح کلان، میانی و خرد حکمرانی است؛ منشوری که می‌تواند به‌عنوان نقشه راهی برای سیاست‌گذاران، نهادهای فرهنگی و اجتماعی و فعالان حوزه خانواده عمل کند.



فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

ارسطا، محمدجواد و همکاران. (۱۳۹۸). حکمرانی شایسته از منظر قرآن کریم. قم: مکتب اندیشه.

الاسحق خوئینی، زهرا. (۱۴۰۱). اصل عدالت و انصاف و جایگاه آن در حقوق خانواده. مشهد: همایش ملی مطالعات بنیادین فقهی، حقوقی؛ نظریه‌ها، رویکردها، چالش‌ها.

اسلامی‌پناه، هادی. (۱۳۸۴)، ازدواج پژوهی در آیات الهی. مطالعات راهبردی زنان، (۲۷)، ص ۷-۳۸.

انگیزه، مرضیه. (۱۴۰۰)، حکمرانی اخلاق و معنویت زمینه‌ساز ظهور. همایش بین‌المللی حکمرانی اخلاق و معنویت، تهران: مجتمع آموزش علوم اسلامی کوثر، دوره ۲. پیروفر، سهیلا؛ مروارید، زهرا. (۱۴۰۱). تحلیل مضمون روایات «لیس منی» در احادیث شیعه. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء (ع)، ۱۹ (۴)، ص ۷۱-۹۲. پرهوده، فرزاد. (۱۴۰۱). فراتحلیل مطالعات انجام‌شده پیرامون نقش نهاد خانواده در بزهکاری، جرم و اعتیاد به مواد مخدر فرزندان. پویش در آموزش علوم تربیتی و مشاوره، ۸ (۱۶)، صص ۱۳۴-۱۵۸.

حجازی‌فر، سعید و همکاران. (۱۳۹۶). بررسی مطالعات حاکمیت اسلامی در ایران با استفاده از روش فراترکیب. مدیریت سازمان‌های دولتی، ۶ (۱)، صص ۶۳-۸۲. حسین‌پور حبیب‌پور گتایی، کرم. (۱۳۹۷). ارزیابی عملکرد سازمان‌های غیردولتی (سمن‌های) کشور در حوزه زنان و خانواده. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۲۰ (۷۹)، ص ۸۶-۴۵.

حر عاملی، محمد. (۱۴۰۳). وسائل الشیعه. تهران: مکتبه الاسلامیه.





- دشتی، محمدتقی؛ توکلی، فاطمه. (۱۳۹۹). ضعف‌های حکمرانی در حوزه خانواده. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی چالش‌ها و راهکارهای تعالی نهاد خانواده در مذاهب اسلامی با محوریت آسیب‌های اجتماعی، صص ۸۳۵-۸۵۸.
- درزی، قسم؛ صدریه، پیام. (۱۳۹۴). نگرشی میان رشته‌ای به حکمرانی خوب؛ زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج البلاغه. فصلنامه النهج، (۴۶)، صص ۱۰۳-۱۲۹.
- ذوالفقارزاده، محمد مهدی؛ کریم‌میان، زهره. (۱۳۹۹). حکمرانی. تهران: نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- روشنی، شهره؛ تافته، مریم؛ خسروی، زهره؛ خادمی، فاطمه. (۱۳۹۹). شرایط تأثیرگذار بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار در ایران و راهکارهای کاهش آسیب‌ها. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۹(۳)، صص ۶۹۳-۷۱۷.
- زارعی، محمد مهدی. (۱۳۹۰). درآمدی بر جایگاه اخلاق در ازدواج و حقوق خانواده. مطالعات اسلامی، ۴۳(۲)، صص ۶۹-۹۶.
- زاهدی اصل، محمد؛ پیله‌وری، اعظم. (۱۳۹۵). فراتحلیلی بر مطالعات حوزه اعتیاد و خانواده. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۷(۲۸)، صص ۱-۴۰.
- سراج زاده، حسن. (۱۳۹۶). گزاره‌های اخلاقی قرآن و چگونگی نظام‌مندسازی آن. پژوهش‌نامه اخلاق، ۱۰(۳۵)، صص ۶۴-۴۵.
- سلیمی افجانی، محمدرضا؛ احمدی، محمدرضا. (۱۴۰۱). نقش اصول اخلاقی خانواده در تربیت اسلامی فرزندان. مطالعات روان‌شناختی و تربیتی خانواده، ۴(۷)، صص ۱۱۵-۱۳۲.
- شاکری گلپایگانی، طوبی؛ محمدتقی‌زاده، مهدیه. (۱۳۹۴). اصل مصلحت در نظام قانون‌گذاری اسلامی و تطبیق آن در حقوق خانواده با رویکردی به اندیشه‌های امام خمینی (ره). پژوهش‌نامه متین، ۱۷(۶۹)، صص ۱۱۷-۱۲۷.



- شریفانی، حمد؛ قمی، محسن. (۱۴۰۳). واکاوی نقش حاکم جامعه اسلامی در نظام حقوقی خانواده. *نشریه حکومت اسلامی*، ۲۹(۱)، صص ۱۳۹-۱۶۰.
- شریعتی، مسعود و همکاران. (۱۳۹۹). حکمرانی اخلاقی در بخش عمومی از دیدگاه نهج البلاغه. *فصلنامه علمی مدیریت منابع در نیروی انتظامی*، ۸(۴)، صص ۸۵-۱۱۸.
- شیرعلی، اسماعیل. (۱۴۰۱). *جامعه‌شناسی حکمرانی*. تهران: اندیشه احسان.
- شفایی، حسین. (۱۳۸۰). *حکومت مردم‌سالاری دینی*. قم: سلسال.
- شمس‌الدینی، سیدرضا؛ اسدی کوه آباد، هرمز. (۱۴۰۱). رابطه آمیختگی اخلاق با احکام فقهی و حقوقی، ۱(۳)، صص ۱-۲۴.
- صراحی، سیف‌الله. (۱۳۸۱). *حقوق مردم در حکومت (دیدگاه امام خمینی علیه السلام)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- طیبنیا، محمد صالح و همکاران. (۱۴۰۱). عارضه‌یابی و تحلیل نظام حکمرانی امور خانواده در جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۵(۹۷)، صص ۳۸-۷۲.
- طهماسبی بلداجی، اصغر. (۱۴۰۲). واکاوی شاخصه‌های حکمرانی شایسته بر مبنای نهج البلاغه. *پژوهش‌های مهدوی*، ۱۲(۴۷)، صص ۶۷-۸۷.
- عالی، محمدباقر و همکاران. (۱۴۰۳). تعریف حکمرانی (فرا ترکیب چیستی حکمرانی). *فصلنامه حکمرانی متعالی*، ۵(۱)، صص ۶۱-۸۶.
- عامری، فریده؛ عمویی، ناهید. (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده در میزان تجربه بحران هویت و تمایز یافتگی نوجوانان. *خانواده و پژوهش*، ۱۳(۳۰)، صص ۷۷-۹۱.
- عبداللهی دهکی، محمد. (۱۳۹۸). *شاخصه‌های اخلاقی مدیریتی کارگزاران نظام علوی و پیامدهای اجتماعی آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی علیه السلام.
- علاسوند، فریبا. (۱۳۹۲). *مداخله حکومت اسلامی درباره حقوق خانواده (ظرفیت‌ها و ضرورت گاه‌ها)*. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۶(۶۲)، صص ۶۵-۱۰۳.



علاسوند، فریبا. (۱۳۸۰). حیطه حضور حاکمان در عرصه خصوصی خانواده. *مطالعات راهبردی زنان*، (۱۴).

عموزاده مهدیرجی، حنیف. (۱۳۹۶). سیاست گذاری خانواده و تغییرات اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی سیاست گذاری عمومی*، ۳(۱)، صص ۱۵۲-۱۳۳.

عیوضی، محمدرحیم و دیگران. (۱۳۹۶). از حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار. *فصلنامه راهبرد*، ۲۶(۸۵)، صص ۵۵-۸۵.

غنوشی، راشد. (۱۳۸۱). *آزادی های عمومی در حکومت اسلامی* (مترجم: حسین صابری). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

قدردان قراملکی، محمدحسن. (۱۳۸۴). *حقوق متقابل مردم و حکومت*. تهران: کانون اندیشه جوان.

قندانی آرانی، علی اکبر؛ صادقی آرانی، زهرا. (۱۳۹۴). خانواده و سبک زندگی اسلامی (خانواده قرآنی). *کنگرة بین المللی روان شناسی و علوم تربیتی با رویکرد اسلامی*.

کحیا، سعید؛ نایح، علیرضا؛ مظاهری، علیرضا. (۱۴۰۲). الگوی حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام در اندیشه آیت الله خامنه ای. *دوفصلنامه پژوهش های سیاست اسلامی*، ۱۱(۲۳)، پیاپی ۲۳، صص ۲۱۱-۲۳۷.

کریمی تبار، الله نور. (۱۳۸۱). *حقوق متقابل مردم و حکومت از دید امام علی (ع)*. تهران: رضوان برتر.

کعبی، عباس. (۱۳۹۵). تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، تحلیل مبانی اصل دهم قانون اساسی. تهران: دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی.

محمدی منفرد، بهروز. (۱۴۰۲). مبانی اخلاقی حکومت اسلامی. *مشرق موعود*، ۱۷(۶۹)، صص ۱۸۱-۱۹۶.

محمدی زکیه و همکاران. (۱۴۰۱). عدالت به عنوان یکی از اصول فقهی حقوقی خانواده. *نامه الهیات*، ۱۵(۵۹)، صص ۱۷-۳۱.



- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۷۴). *قواعد فقه* (ج ۳، چ ۴). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۷۲). *حقوق خانواده*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۸). *ابعاد حریم خصوصی در حکومت اسلامی*. تهران: دفتر مطالعات فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- معاونت راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی. (۱۴۰۱)، *حکمرانی مردمی؛ تأملاتی در باب جامعه‌پردازی مردم‌نهاد و تحول در حکمرانی* (ج ۱). تهران: معاونت راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی، اندیشکده حکمرانی مردمی انقلاب اسلامی.
- موسوی، سیدزین‌العابدین؛ آقای جنت مکان، حسین؛ نوروزی، نورمحمد. (۱۳۹۷). نقش اخلاق اسلامی در حکمرانی مطلوب. *پژوهش‌های اخلاقی (انجمن معارف اسلامی)*، ۸(۴)، صص ۲۰۳-۲۲۴.
- مهدی‌فر، محمد. (۱۴۰۱). *دولت و حکمرانی؛ جلد اول موسوعه روایی حقوق عمومی*. قم: مکتب اندیشه.
- مهدوی کنی، صدیقه. (۱۳۸۸). *ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن (رویکردی معناشناختی)*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نعمتی پیرعلی، دل‌آرا و همکاران. (۱۳۹۰). *ملازمه تکالیف زوجین و اخلاق‌مداری در خانواده در منابع اسلامی*. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴(۵۴)، صص ۲۱۲-۲۵۳.
- نورالهی، مریم؛ پورعزت، علی‌اصغر؛ اسمعیلی گیوی، محمدرضا؛ لسانی فشارکی، محمدعلی. (۱۴۰۱). مؤلفه‌های حکمرانی اخلاقی از منظر قرآن کریم. *مدیریت اسلامی*، ۱۳(۴)، صص ۱۹-۲۴۹.
- واله، حسین. (۱۴۰۰). *دین و حکمرانی؛ چالش‌ها و تأمل‌ها*. تهران: طرح نو.
- وکیلی، محمدحسن و همکاران. (۱۴۰۲). نقش پیشگیرانه حکومت در تربیت خانواده پایدار براساس روایات طلاق با نقدی بر احکام فقهی آن. *مصباح الفقاهه*، ۷(۶)، صص ۱-۲۸.

هاشمی، سیدضیا؛ فاطمی امین، زینب؛ فولادیان، مجید. (۱۳۹۰). پیامدهای فرار دختران از منزل. *رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۰)، صص ۱۶۱-۱۸۷.

هانس کلاین، اریک. (۱۳۹۲). شبکه حکمرانی در بخش عمومی مترجم: غلامرضا سلیمی؛ داود کریمی پور). تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، مرکز انتشارات راهبردی.

یحیی زاده، حسین؛ حامد، محبوبه. (۱۳۹۴). مسایل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فراتحلیل مقالات موجود. *مطالعات زن و خانواده*، ۳(۲)، صص ۹۱-۱۲۰.

Farazmand, Ali. (2004). *Sound Governance: Policy and Administrative Innovations*, First published in 2004 Praeger Publishers, 88 Post Road West, Westport, CT 0688. Available at: <https://libgen.lc/ads.php?md5=97fdf7357238be56dbb543312bf7a76e>.

